



دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی روانشناسی تربیتی

بررسی رابطه‌ی دیدگاه فراهیجانی و ابعاد شیوه‌های
فرزندپروری والدین با هوش عاطفی و خودکارآمدی
نوجوانان دبیرستانی

بوسیله‌ی

عین‌اله پارسایی

استاد راهنما

محبوبه فولادچنگ

دی ۱۳۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

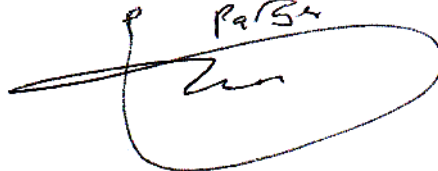
به نام خدا

اظهارنامه

اینجانب عین‌اله پارسایی دانشجوی رشته‌ی روانشناسی تربیتی، گرایش روانشناسی تربیتی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روانشناسی اظهار میدارم که این پایان‌نامه حاصل پژوهش خودم بوده و در جاهایی که از منابع دیگران استفاده کرده‌ام، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن را نوشته‌ام. همچنین اظهار می‌دارم که تحقیق و موضوع پایان‌نامه‌ام تکراری نیست و تعهد می‌نمایم که بدون مجوز دانشگاه دستاوردهای آن را منتشر نکنم و یا در اختیار غیر قرار ندهم. کلیه‌ی حقوق این اثر مطابق با آیین‌نامه‌ی مالکیت فکری و معنوی متعلق به دانشگاه شیراز است.

نام و نام خانوادگی: عین‌اله پارسایی

تاریخ و امضا: ۱۳۸۸/۱۲/۴

پارسایی


به نام خدا

بررسی رابطه‌ی دیدگاه فراهیجانی و ابعاد شیوه‌های فرزندپروری والدین با هوش
عاطفی و خودکارآمدی نوجوانان دبیرستانی

به کوشش

عین‌اله پارسایی

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز به عنوان بخشی از
فعالیت‌های تحصیلی لازم برای اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد

در رشته‌ی

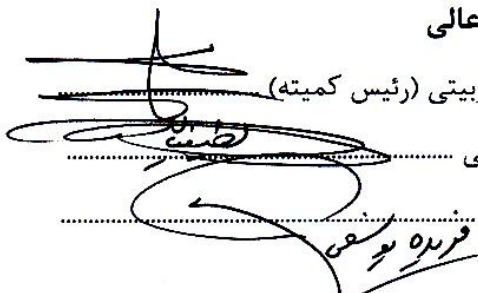
روانشناسی تربیتی

از دانشگاه شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته‌ی پایان‌نامه با درجه‌ی عالی

دکتر محبوبه فولادچنگ، استادیار بخش روانشناسی تربیتی (رئیس کمیته)
دکتر مرتضی لطیفیان، دانشیار بخش روانشناسی تربیتی
دکتر فریده یوسفی، استادیار بخش روانشناسی تربیتی



دی ۱۳۸۸

تقدیم به:

بورس فردریک اسکینر

سپاسگزاری

صادقانه از تلاشهای دکتر محبوبه فولادچنگ به خاطر همه‌ی محبت و مهربانی‌هایش، همه دوستی و صداقتش و تمام فرصتی که به من داد تا بتوانم تلاش کنم و یاد بگیرم، سپاسگزارم. از اینکه به من اجازه و حق اشتباه کردن می‌داد، ممنونم، و از اینکه معلم خوبی برایم بود، خوشحالم. من ایشان را به خاطر آنچه تداعی‌گر معنی انسان کامل است، دوست دارم و احترام می‌گذارم.

از دکتر مرتضی لطیفیان که به من حسی از دانایی و شکوفایی را منتقل می‌کرد، که فرصتی برای آموختن در اختیارم گذاشت تشکر می‌کنم. از خانم دکتر فریده یوسفی که برایم الگویی از تلاش و ایثار بود ممنونم. چنین سعادت‌ی برای یادگیری، تعریف عملیاتی من از خوشبختی است.

چکیده

بررسی رابطه‌ی دیدگاه فراهیجانی و ابعاد شیوه‌های فرزندپروری والدین با هوش عاطفی و خودکارآمدی نوجوانان دبیرستانی

به کوشش

عین‌اله پارسایی

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی دیدگاه فراهیجانی و ابعاد فرزندپروری والدین با هوش عاطفی و خودکارآمدی نوجوانان دبیرستانی بود. نمونه‌ی پژوهش که به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی انتخاب گردیدند شامل ۳۱۵ دانش‌آموز (۱۶۶ دختر و ۱۴۹ پسر) دبیرستانی شهر شیراز بود. برای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش از پرسشنامه‌های دیدگاه فراهیجانی والدین (ابولینی‌کو، ۲۰۰۶)، محیط خانوادگی (نقاشیان، ۱۳۸۵)، هوش عاطفی (پترایز و فارنهایم، ۲۰۰۱) و خودکارآمدی (شوارتز و جروسلم، ۱۹۹۵) استفاده شد. یافته‌های همبستگی بیانگر این بود دیدگاه فراهیجانی و ابعاد فرزندپروری والدین با هوش عاطفی و خودکارآمدی رابطه دارد. همچنین یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد که دیدگاه فراهیجانی والدین و بعد محبت در ابعاد فرزندپروری می‌تواند هوش عاطفی و خودکارآمدی نوجوانان دبیرستانی را پیش‌بینی کند. نتایج آزمون تی مستقل نشان داد که بین میانگین نمرات دختران و پسران از نظر متغیرهای هوش عاطفی و خودکارآمدی تفاوت معناداری وجود ندارد. در پایان کاربردهای پژوهش حاضر برای تعلیم و تربیت و آموزش خانواده به بحث گذاشته شده است.

فهرست مطالب

عنوان صفحه

فصل اول: مقدمه

- ۱ - مقدمه ۱
- ۱-۱- کلیات ۱
- ۲-۱- بیان مسئله ۳
- ۳-۱- اهداف پژوهش ۴
- ۴-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق ۵

فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه‌ی تحقیقاتی

- ۲- مبانی نظری و پیشینه‌ی تحقیقاتی ۶
- ۱-۲- مبانی نظری ۶
- ۱-۱-۲- دیدگاه فراهیجانی والدین ۶
- ۱-۱-۱-۲- مراحل شکل‌گیری دیدگاه فراهیجانی ۹
- ۱-۱-۲-۱-۲- ابعاد دیدگاه فراهیجانی والدین ۱۵
- ۲-۱-۲- شیوه‌های فرزندپروری ۲۰
- ۱-۲-۱-۲- پذیرش در برابر طرد ۲۲
- ۲-۲-۱-۲- کنترل در برابر سخت‌گیری ۲۲
- ۳-۱-۲- هوش عاطفی ۲۵
- ۱-۳-۱-۲- مدل ترکیبی هوش عاطفی بار-آن ۲۷
- ۲-۳-۱-۲- مدل ترکیبی هوش عاطفی دانیل گلمن ۲۹
- ۳-۳-۱-۲- مدل توانایی هوش عاطفی مایر و سالوی ۳۱
- ۴-۱-۲- خودکارآمدی ۳۲
- ۲-۲- پیشینه‌ی تحقیقاتی ۳۷
- ۱-۲-۲- دیدگاه فراهیجانی والدین و هوش عاطفی ۳۷

عنوان صفحه

- ۳۸ دیدگاه فراهیجانی والدین و خودکارآمدی ۲-۲-۲
- ۴۰ ابعاد شیوه‌های فرزندپروری و هوش عاطفی ۳-۲-۲
- ۴۱ ابعاد شیوه‌های فرزندپروری و خودکارآمدی ۴-۲-۲
- ۴۱ هوش عاطفی و جنسیت ۵-۲-۲
- ۴۳ خودکارآمدی و جنسیت ۶-۲-۲
- ۴۴ نتیجه‌گیری از تحقیقات ۳-۲-۳
- ۴۴ سوالات پژوهش ۴-۲-۳
- ۴۵ تعاریف مفهومی متغیرها ۵-۲-۳
- ۴۶ تعاریف عملیاتی متغیرها ۶-۲-۳

فصل سوم: روش تحقیق

- ۴۷ روش تحقیق ۳-۳
- ۴۷ جامعه‌ی آماری ۱-۳-۳
- ۴۷ نمونه و روش نمونه‌گیری ۲-۳-۳
- ۴۸ ویژگی گروه نمونه ۳-۳-۳
- ۴۸ ابزار پژوهش ۴-۳-۳
- ۴۹ پرسشنامه‌ی دیدگاه فراهیجانی والدین ۱-۴-۳
- ۵۱ پرسشنامه‌ی محیط خانوادگی ۲-۴-۳
- ۵۲ پرسشنامه‌ی هوش عاطفی ۳-۴-۳
- ۵۳ پرسشنامه‌ی خودکارآمدی عمومی ۴-۴-۳
- ۵۴ شیوه‌ی اجرا ۵-۳-۳
- ۵۴ تجزیه و تحلیل داده‌ها ۶-۳-۳

فصل چهارم: یافته‌ها

- ۵۵ یافته‌ها ۴-۴
- ۵۵ یافته‌های توصیفی متغیرهای مورد پژوهش ۱-۴-۴
- ۵۶ یافته‌های استنباطی برای بررسی سوالات تحقیق ۲-۴-۴
- ۱-۲-۴ - آیا بین متغیرهای دیدگاه فراهیجانی والدین و ابعاد شیوه‌های فرزندپروری آنان با هوش عاطفی و خودکارآمدی نوجوانان رابطه وجود دارد؟ ۵۶

عنوان صفحه

- ۴-۲-۲- آیا دیدگاه فراهیجانی والدین (و ابعاد آن) می‌تواند پیش‌بینی‌کننده‌ی هوش عاطفی نوجوانان باشد؟ ۵۸
- ۴-۲-۳- آیا ابعاد شیوه‌های فرزندپروری والدین می‌تواند پیش‌بینی‌کننده‌ی هوش عاطفی نوجوانان باشد؟ ۵۸
- ۴-۲-۴- آیا دیدگاه فراهیجانی والدین (و ابعاد آن) می‌تواند پیش‌بینی‌کننده‌ی خودکارآمدی نوجوانان باشد؟ ۶۰
- ۴-۲-۵- آیا ابعاد شیوه‌های فرزندپروری والدین می‌تواند پیش‌بینی‌کننده‌ی خودکارآمدی نوجوانان باشد؟ ۶۰
- ۴-۲-۶- از بین دو متغیر دیدگاه فراهیجانی والدین و ابعاد شیوه‌های فرزندپروری کدامیک پیش‌بینی‌کننده‌ی بهتری برای هوش عاطفی نوجوانان است؟ ۶۲
- ۴-۲-۷- از بین دو متغیر دیدگاه فراهیجانی والدین و ابعاد شیوه‌های فرزندپروری کدامیک پیش‌بینی‌کننده‌ی بهتری برای خودکارآمدی نوجوانان است؟ ۶۲
- ۴-۲-۸- آیا بین میانگین نمرات دختران و پسران در هوش عاطفی (و مولفه‌های آن) تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟ ۶۲
- ۴-۲-۹- آیا بین میانگین نمرات دختران و پسران در خودکارآمدی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟ ۶۲

فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری

- ۵- بحث و نتیجه‌گیری ۶۴
- ۵-۱- آیا بین متغیرهای دیدگاه فراهیجانی والدین و ابعاد شیوه‌های فرزندپروری آنان با هوش عاطفی و خودکارآمدی نوجوانان رابطه وجود دارد؟ ۶۴
- ۵-۲- آیا دیدگاه فراهیجانی والدین (و ابعاد آن) می‌تواند پیش‌بینی‌کننده‌ی هوش عاطفی نوجوانان باشد ۶۵
- ۵-۳- آیا ابعاد شیوه‌های فرزندپروری والدین می‌تواند پیش‌بینی‌کننده‌ی هوش عاطفی نوجوانان باشد؟ ۶۶
- ۵-۴- آیا دیدگاه فراهیجانی والدین (و ابعاد آن) می‌تواند پیش‌بینی‌کننده‌ی خودکارآمدی نوجوانان باشد؟ ۶۷
- ۵-۵- آیا ابعاد شیوه‌های فرزندپروری والدین می‌تواند پیش‌بینی‌کننده‌ی خودکارآمدی نوجوانان باشد؟ ۶۸

عنوان صفحه

- ۶-۵- از بین دو متغیر دیدگاه فراهیجانی والدین و ابعاد شیوه‌های فرزندپروری کدامیک
پیش‌بینی کننده‌ی بهتری برای هوش عاطفی نوجوانان است؟ ۶۹
- ۷-۵- از بین دو متغیر دیدگاه فراهیجانی والدین و ابعاد شیوه‌های فرزندپروری کدامیک
پیش‌بینی کننده‌ی بهتری برای خودکارآمدی نوجوانان است؟ ۶۹
- ۸-۵- آیا بین میانگین نمرات دختران و پسران در هوش عاطفی (و مولفه‌های آن) تفاوت معنی
داری وجود دارد؟ ۷۰
- ۹-۵- آیا بین میانگین نمرات دختران و پسران در خودکارآمدی تفاوت معنی داری
وجود دارد؟ ۷۱
- ۱۰-۵- کاربردهای عملی ۷۲
- ۱۱-۵- پیشنهادات تحقیق ۷۳
- ۱۲-۵- محدودیت‌ها ۷۴

فهرست منابع

- منابع فارسی ۷۵
- منابع انگلیسی ۷۷
- پیوست‌ها ۸۱

فهرست جداول

عنوان صفحه

- جدول ۱-۳- تعداد و درصد آزمودنی‌ها به تفکیک جنسیت و پایه‌ی تحصیلی..... ۴۸
- جدول ۲-۳- تعداد و درصد آزمودنی‌ها به تفکیک رشته‌ی تحصیلی..... ۴۸
- جدول ۳-۳- تعداد و درصد آزمودنی‌ها به تفکیک شغل والدین..... ۴۸
- جدول ۳-۴- ماتریس عاملی پرسشنامه دیدگاه فراهیجانی والدین و بار عاملی سوالات..... ۵۰
- جدول ۳-۵- ضریب همسانی درونی ابعاد مقیاس دیدگاه فراهیجانی..... ۵۱
- جدول ۳-۶- ضریب همسانی درونی ابعاد مقیاس هوش عاطفی..... ۵۳
- جدول ۴-۱- میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد پژوهش..... ۵۶
- جدول ۴-۲- ماتریس همبستگی متغیرهای مورد پژوهش..... ۵۷
- جدول ۴-۳- نتایج رگرسیون چندگانه به منظور پیش بینی هوش عاطفی فرزندان..... ۵۸
- جدول ۴-۴- رگرسیون چندگانه هوش عاطفی فرزندان روی ابعاد دیدگاه فراهیجانی والدین..... ۵۹
- جدول ۴-۵- نتایج رگرسیون چندگانه به منظور پیش بینی ابعاد چهارگانه‌ی هوش عاطفی..... ۵۹
- جدول ۴-۶- نتایج رگرسیون چندگانه به منظور پیش بینی خودکارآمدی فرزندان..... ۶۱
- جدول ۴-۷- رگرسیون چندگانه خودکارآمدی فرزندان از روی ابعاد دیدگاه فراهیجانی والدین..... ۶۱
- جدول ۴-۸- میانگین و انحراف معیار نمرات هوش عاطفی و ابعاد آن و خودکارآمدی در دختران و پسران..... ۶۳

فصل اول

مقدمه

۱ - مقدمه

۱ ۴ کلیات

هوش عاطفی و خودکارآمدی از جمله متغیرهایی است که در دهه‌های اخیر توجه زیادی را در بین محققان حوزه‌ی تعلیم و تربیت، روانشناسی نوجوانی و مطالعات خانواده به خود جلب کرده است. در این راستا، مطالعه‌ی عوامل تأثیرگذار بر هوش عاطفی و خودکارآمدی در دوران نوجوانی اهمیت بیشتری یافته است، به این دلیل که دوران نوجوانی را با عباراتی مثل دوره‌ی بحران، آشوب، بزهکاری، جامعه‌ستیزی، بحران بلوغ، اختلالات رفتاری، از خود بیگانگی یا انحرافات جنسی توصیف کرده اند. این عبارات نشان می‌دهند که نوجوان در گذر از کودکی به بزرگسالی عواطف و هیجانات زیادی را تجربه می‌کند. دوران نوجوانی هم از نظر نوجوانان و هم از نظر والدین دورانی دشوارتر از سالهای کودکی قلمداد شده است. حدود قرن هفتم کشیشی دوران نوجوانی را به کشتی نویی که در اقیانوسی بزرگ به آب انداخته می‌شود بی‌آنکه سکان داشته باشد یا ناخدایی هدایتش کند تشبیه کرده است (ماسن، کیگان، هوسون و کانجر ، ۱۳۷۷).

در واقع، یکی از ویژگی‌های مهم دوران نوجوانی نقش برجسته‌ی عواطف در زندگی نوجوان و تعاملات او با خانواده و اطرافیان است. عواطفی که تاثیر چشمگیری بر رفتار نوجوان دارد و داشتن عملکردی موفق و موثر به میزان زیادی متأثر از آن می‌باشد. نقش تعیین‌کننده‌ی عواطف در سلامت نوجوان و سازگاری او با خانواده و اجتماع در تحقیقات مختلف مورد بررسی قرار گرفته است (از جمله: اسکوب^۱، ۲۰۰۱؛ صفری، ۱۳۸۶). بیان عواطف، استفاده‌ی صحیح از عواطف، فهم و درک عواطف، مدیریت و تنظیم عواطف در خانواده هر کدام نقش اساسی خود را ایفا می‌کند تا یک نوجوان بتواند با شرایط و مقتضیات دوره‌ی نوجوانی کنار آید. این‌ها چهار

^۱ - Schwab

بعد از یک سازه‌ی روانشناختی هستند که مایر، سالوی و کارسو^۱ (۲۰۰۰) آن را هوش عاطفی^۲ خوانده‌اند. مایر و سالوی (۱۹۹۷) در تعریف خود، هوش عاطفی را به صورت توانایی تشخیص معنای عواطف و ارتباط میان آنها و نیز توانایی استدلال و حل مسئله بر اساس آن تعریف کرده‌اند (مایر و سالوی، ۱۹۹۷؛ مایر و سالوی، ۲۰۰۰ و مایر، ۲۰۰۱).

اسکوب (۲۰۰۱) هسته‌ی مرکزی هوش عاطفی را درک و فهم احساسات و مدیریت عواطف و چگونگی ابراز احساسات می‌داند و معتقد است که این توانایی به طور برجسته‌ای با تعاملات اجتماعی و سبک‌های فرزندپروری در ارتباط است. آن دسته از سبک‌های فرزندپروری که با پذیرش فرزندان همراه باشد، به آنان توانایی اعتماد بر عواطف خود و دیگران را می‌بخشد. بدین ترتیب، فرزندان به ارزش عواطف در زندگی پی می‌برند. از سوی دیگر کنترل مناسبی که از طرف والدین اعمال می‌شود، به فرزندان کمک می‌کند تا توانایی کنترل عواطف که از ابعاد مهم هوش عاطفی است، در آنان افزایش یابد.

اما شیوه‌های فرزندپروری والدین با متغیر دیگری به نام دیدگاه فراهیجانی والدین^۳ نیز در ارتباط است. مفهوم دیدگاه فراهیجانی بیانگر مجموعه‌ای از افکار و احساسات است که والدین در مورد هیجان‌ات خود و فرزندانشان دارند (گاتمن و گاتز و هوون^۴، ۱۹۹۷). گاتمن و همکاران (۱۹۹۷) معتقدند که یکی از عوامل مرتبط با هوش عاطفی افراد دیدگاه فراهیجانی والدین آنها است.

به اعتقاد گاتمن و همکاران (۱۹۹۶) والدین از نظر دیدگاهی که نسبت به هیجان‌ات و نهادینه کردن آن در فرزندان خود دارند، یکسان نیستند. گروهی اعتقاد دارند که هیجان‌ات و شیوه‌ی ابراز آن در جامعه به روشی مناسب، نیازمند آموزش است و در مقابل، گروهی دیگر معتقدند که هیجان‌ات، منفی و مضر هستند و باید کنترل شوند و هرگز نباید اجازه‌ی بروز پیدا کنند و باید به سرعت بر آن غالب شد (ایولینی کو^۵، ۲۰۰۶). والدین از عوامل مهمی هستند که می‌توانند به نوجوان کمک کنند تا از عهده‌ی آنچه لازمه‌ی مستقل شدن است، برآید و تبدیل به بزرگسالی توانا، متکی به خود و دارای تصویر مثبتی از خود شود و یا ممکن است عکس این مسئله اتفاق بیفتد. نوجوانانی که قربانی بدرفتاری والدین هستند، در اعتماد کردن به دیگران و ایجاد یک رابطه‌ی عاطفی پایدار دچار مشکل‌اند (ماسن و همکاران، ۱۳۷۷).

از طرف دیگر سروفی^۶ (۲۰۰۰) معتقد است که در شکل‌گیری یک رابطه‌ی عاطفی پایدار و ایمن در فرزندان، احساس خودکارآمدی متغیری مورد توجه است. سروفی (۲۰۰۰) بیان می‌دارد که خودکارآمدی در سالهای اولیه‌ی مدرسه وابسته به روشهای فرزندپروری والدین

^۱ - Mayer, Salovey & Caruso

^۲ - Emotional intelligence

^۳ - Meta- emotion philosophy

^۴ - Gottman, Katz & Hooven

^۵ - Evelyne kehe

^۶ - Sroufe

است. موفقیت یا شکست اولیه‌ی دانش‌آموزان وابسته به این است که آنان با چه احساسی وارد مدرسه شده‌اند. اگر والدین احساس کارآمدی را در فرزندانشان رشد داده باشند احتمال اینکه این احساس موفقیت تداوم یابد بیشتر است.

لیهای^۱ (۲۰۰۶) گزارش می‌دهد افرادی که دیدگاه منفی در مورد هیجانات دارند، دارای مشکلات بیشتری در برخورد با مسائل زندگی خود می‌باشند و از روشهای خطرآفرین بیشتری برای کنترل محیط خویش استفاده می‌کنند. آنان فاقد خودکارآمدی لازم برای مواجه شدن با دشواری‌های محیطی بوده، به راحتی خود را کنار می‌کشند و اجازه می‌دهند بوسیله‌ی دیگران کنترل شوند. این افراد چندان تمایلی به چالش نداشته و با تردید، از احتمال موفقیت خود در تکالیف صحبت می‌کنند.

در مجموع می‌توان گفت جستجو برای یافتن این شبکه‌ی ارتباطی که حاصل تعامل دیدگاه فراهیجانی والدین و شیوه‌های فرزندپروری آنان با هوش عاطفی و خودکارآمدی فرزندانشان است، می‌تواند به روشن‌تر شدن این تعامل چندجانبه کمک کند و بحث درباره‌ی الگوهای عاطفی و شناختی والدین (مباحث مطرح شده در دیدگاه فراهیجانی و شیوه‌های فرزندپروری) می‌تواند به فهم دنیای نوجوانان در برخورد با جهان بیرون کمک می‌کند.

۴-۱ بیان مسئله

تغییرات عاطفی در دوران نوجوانی مورد بحث‌های فراوانی بوده و همزمان این مسئله مطرح شده که عوامل مرتبط با آن کدامند؟ و این که تغییرات عاطفی در این دوران چه پیامدهایی را به دنبال دارد؟ تغییرات سریع عاطفی در دوران نوجوانی و مسائل مرتبط یا تأثیرگذار بر آن می‌تواند مورد توجه فراوانی قرار گیرد. احساس خودکارآمدی نوجوان تا حدود زیادی می‌تواند بر چگونگی روابط وی و میزان موفقیتش در مقابله با مشکلات تأثیر بگذارد. باور نوجوان به این که در دنیایی زندگی می‌کند که می‌تواند بر آن اثر بگذارد؛ وابسته به محیط اجتماعی است که در آن رشد می‌کند. پس توجه به هوش عاطفی نوجوان توجه به چگونگی داشتن یک زندگی سالم فردی و اجتماعی است و توجه به خودکارآمدی بررسی این اعتقاد است که فرد در روابط فردی- اجتماعی خویش چقدر به توانایی خود اطمینان دارد.

عوامل زیادی می‌تواند هوش عاطفی و خودکارآمدی نوجوان را در دوران حساس بلوغ تسهیل کنند، عواملی که می‌توانند زمینه ساز داشتن یک زندگی همراه با باروری، اعتماد و احساسی از توانایی باشد، عواملی که به نوجوان در داشتن یک رابطه‌ی مثبت در دنیای

¹ - Leahy

اجتماعی خویش کمک کند و او را به بزرگسالی شایسته تبدیل کند. تحقیقاتی که در زمینه عوامل مرتبط با هوش عاطفی و خودکارآمدی نوجوانان انجام شده کافی نیستند و هنوز تحقیقات بسیاری لازم است که این عوامل را مورد بررسی قرار دهند و به این موضوعات مهم بپردازند که چگونه تعاملات هیجانی خانواده‌ها در سلامت روانی اعضاء تأثیر دارد و نشان دهد که داشتن یک تعامل هیجانی موفق بین اعضاء خانواده می‌تواند به شکل‌دهی روابط صمیمی و افزایش سلامت روانی اعضاء کمک کند. بنابراین یکی از مسائل مهم در حوزه‌ی روانشناسی نوجوانی، بررسی رابطه‌ی دیدگاه فراهیجانی والدین و شیوه‌های فرزندپروری آنان با هوش عاطفی و خودکارآمدی نوجوانان است تا از این طریق نقش والدین در شکل‌گیری هوش عاطفی و خودکارآمدی نوجوانان مورد کنکاش قرار گیرد.

۱-۳ اهداف پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی دیدگاه فراهیجانی والدین و شیوه‌های فرزندپروری آنان با هوش عاطفی و خودکارآمدی نوجوانان است. در این پژوهش اهداف زیر مطرح هستند:

اهداف اصلی

- بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی دیدگاه فراهیجانی والدین (و مولفه‌های آن) در هوش عاطفی نوجوانان (و ابعاد آن).
- بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی دیدگاه فراهیجانی والدین (و مولفه‌های آن) در خودکارآمدی نوجوانان.
- بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی ابعاد شیوه‌های فرزندپروری در هوش عاطفی نوجوانان (و ابعاد آن).
- بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی ابعاد شیوه‌های فرزندپروری در خودکارآمدی نوجوانان.

اهداف فرعی

- بررسی تفاوت‌های جنسیتی در هوش عاطفی نوجوانان.
- بررسی تفاوت‌های جنسیتی در خودکارآمدی نوجوانان.

۱-۴ ضرورت و اهمیت تحقیق

رشد فرزندان در خانواده تجربه‌ای است هیجانی که احساساتی مانند لذت، محبت، نگرانی یا خشم را فرا می‌خواند. والدین و فرزندان در تعاملات لحظه به لحظه خود بر یکدیگر اثر می‌گذارند و بررسی این رابطه روشنگر مسائل مهمی در رسیدن به یک شیوه‌ی فرزندپروری موثر و کارا است. تاکنون بیشتر مطالعاتی که در این حوزه (رابطه‌ی والد و فرزند) صورت گرفته، بر مسائل شناختی تاکید داشته و کمتر به تحلیل عواطف بین والدین و فرزندان پرداخته‌اند.

دیدگاه فراهیجانی والدین و شیوه‌های فرزندپروری آنان مسئله‌ی مهمی است که دارای تلویحات فراوانی هم برای والدین و هم برای فرزندان است. محققان در اهمیت باورهای والدین در بروز یا عدم بروز هیجانات در فرزندان و چگونگی نهادینه شدن آن در فرزندانشان تاکید کرده‌اند (عابدین^۱، ۱۹۹۲، به نقل از ایولینی کو، ۲۰۰۶). اما هنوز تحقیقات اندکی بر روی این عقاید و اینکه چگونه سبب شکل‌گیری رفتارهای عاطفی فرزندان می‌شوند، صورت گرفته است. داشتن یک ارتباط سالم در خانواده و جامعه، توانایی شکل‌دهی یک ارتباط مفید و پرمهر، داشتن فرزندان که مهارت‌های مراقبت از خود را داشته باشند، داشتن فرزندان که باور داشته باشند که عضوی موثری از یک جامعه‌اند، برای هر پدر و مادری یک هدف بزرگ است. دیدگاهی که والدین در مورد هیجانات دارند، بر رابطه‌ی آنان بر فرزندانشان تأثیر می‌گذارد. دیدگاهی که می‌تواند رابطه‌ی آنان را با فرزندانشان بیمار سازد که نتیجه‌ی آن داشتن فرزندان است که خود را از دنیا کنار کشیده و به این باور رسیده‌اند که در دنیایی زندگی می‌کنند که همه چیز علیه آنها است، کسی آنها را نمی‌فهمد و آنها نیز توانایی برقراری رابطه‌ی دوستی و محبت را ندارند، برای کسی مهم نیستند و کسی نیز برای آنان مهم نیست. آگاهی از این که کدام شیوه‌ی فرزندپروری می‌تواند احساس خودکارآمدی را در نوجوانان تقویت کند و یا به نوجوان در داشتن یک رابطه سالم هیجانی در تعاملاتش با خانواده و جامعه کمک نماید، کمک زیادی به والدین در امر تربیت فرزندان خواهد کرد.

هوش عاطفی از این نظر در نوجوانی دارای اهمیت زیادتری از دیگر مراحل زندگی می‌باشد که نوجوانی را دوران آشوب و درگیری با آرمانهای جامعه و هنجارهای اجتماعی می‌دانند. توجه به هیجانات والدین و ایجاد دیدگاه فراهیجانی حمایت‌گرانه و رشد دهنده می‌تواند به والدین کمک کند تا فرزندان پرورش دهند که بتوانند با تمام تغییرات جسمی و روحی خود کنار آمده و رشد سالمی داشته باشند. فرزندان که باور داشته باشند تغییر جهان نتیجه تلاش آنان است.

^۱ - Abedin

فصل دوم

مبانی نظری و پیشینه‌ی تحقیقاتی

۲ - مبانی نظری و پیشینه‌ی تحقیقاتی

مطالب فصل حاضر به دو بخش مبانی نظری و پیشینه‌ی تحقیقاتی تقسیم شده است. در بخش مبانی نظری، ابتدا به مبانی نظری دیدگاه فراهیجانی والدین پرداخته شده و سپس شیوه‌های فرزندپروری و ابعاد آن مطرح شده اند. مبانی نظری هوش عاطفی و خودکارآمدی نیز مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

در بخش پیشینه‌ی تحقیقاتی، به ترتیب به مطالعاتی در مورد رابطه‌ی دیدگاه فراهیجانی والدین و هوش عاطفی نوجوانان، دیدگاه فراهیجانی والدین و خودکارآمدی نوجوانان، شیوه‌های فرزندپروری و هوش عاطفی نوجوانان، شیوه‌های فرزندپروری و خودکارآمدی نوجوانان، هوش عاطفی و جنسیت، خودکارآمدی و جنسیت اشاره شده است. در پایان این فصل نیز سوالات تحقیق ذکر گردیده است.

۲-۱- مبانی نظری

۲-۱-۱- دیدگاه فراهیجانی والدین

فراهیجان اشاره دارد به هیجان در مورد هیجان. این سازه با فراشناخت که به شناخت در مورد شناخت اشاره می کند قابل قیاس است (گاتمن و همکاران، ۱۹۹۷). افراد در برخورد با یک هیجان خاص (برای مثال: خشم) آن را از دید متفاوتی می‌نگرند. گروهی از مردم از این که خشمگین شده‌اند، احساس شرم یا اندوه می‌کنند، گروهی دیگر از این که توانایی ابراز خشم را دارند، احساس خوبی می‌کنند و برخی دیگر نیز خشم را یک هیجان طبیعی می‌دانند و به خوب یا بد بودنش توجهی ندارند. تجربه هر هیجانی در نوع بشر دربرگیرنده‌ی سطحی از فراهیجان نیز می‌باشد، حتی اگر مورد توجه و مطالعه قرار نگیرد. پس در تجربه‌ی هیجان‌ات مختلف،

فراهیجان قابل کنترل نیست. یک مثال مناسب برای توصیف فراهیجان تجربه یکه خوردن^۱ است. وقتی اسلحه‌ای در نزدیکی فرد شلیک شود، تجربه کننده‌ی چنین صحنه‌ای ممکن است به شدت عصبانی شود و به اصطلاح آتش بگیرد، یا احساس تنفر کند و یا ممکن است تا اندازه‌ای خشمگین شود. حتی ممکن است از این تجربه شدید هیجانی به خنده بیفتد. این عواطف بعدی بعد از تجربه یکه خوردن فراهیجان است و ساده تر این که فراهیجان هیجان در مورد هیجان است (البته در اینجا به این مسئله که یکه خوردن بازتاب یا هیجان است، توجهی نمی‌کنیم). هر گاه یک هیجان خاص را تجربه می‌کنیم، با تجربه‌ای از احساس در مورد آن هیجان خاص روبرو هستیم. ماهمیشه درگیر در دیدگاه فراهیجانی خود هستیم (گاتز، گاتمن و ویلسون^۲، ۱۹۹۹).

مفهوم دیدگاه فراهیجانی والدین بوسیله گاتمن (۱۹۹۶) معرفی گردید. او دیدگاه فراهیجانی والدین را به عنوان «مجموعه‌ای سازمان یافته از افکار و احساسات والدین درباره‌ی هیجان‌ات خود و فرزندانشان» تعریف کرده است. اما در بررسی تاریخی فراهیجان مطالعات گینت^۳ (۱۹۶۵ و ۱۹۷۱، به نقل از کاتز و همکاران، ۱۹۹۹) را می‌توان سرآغازی برای توجه به فراهیجان دانست. گینت در مطالعاتش تأکید ویژه‌ای بر لزوم آموزش کودکان در پرورش و ابراز هیجان‌ات خود داشته است و این تأکید دارای پیامدهای بسیار مهمی بوده و باعث تغییرات بسیار اساسی در مطالعات مربوط به کودکان گردیده است.

مطالعات گینت (۱۹۶۵، به نقل از کاتز و همکاران، ۱۹۹۹) بیانگر یک جدایی بنیادی از ادبیات معمول گذشته بود که سعی در راهنمایی صرف والدین در چگونگی ارتباط با فرزندان داشت. گینت به طور ویژه بر روی فرآیندهای تعاملی فرزند-والدی و همچنین هیجان‌ات فرزندان تمرکز داشت. وی تلاش کرد که نظرات^۴ والدین را در مورد دنیای هیجانی فرزندانشان بررسی کند. گینت بیان کرد مسئله‌ای که در تعاملات لحظه به لحظه‌ی والدین و فرزندان نقش اساسی ایفا می‌کند، هیجان است و بسیار اهمیت دارد که والدین بتوانند جستجوگر هیجان‌ات در فرزندان و شنونده‌ی آنان باشند و دارای توانایی پاسخ‌گویی و همدلی واقعی با فرزندان باشند. او بیان کرد مهمترین اقدامی که یک والد می‌تواند نسبت به فرزند خود انجام دهد این است که به هیجان‌ات ورای واژه‌ها در صحبت‌های فرزندش توجه کند. گینت چندان تمایلی به این مسئله نداشت که آیا گوش کردن یک مهارت اجتماعی هست یا نه، بنابراین هیچ تلاش یا پیشنهادی هم برای آموزش مهارت‌های گوش دادن همدلانه ارائه نکرد. او تصور می‌کرد که اغلب والدین به طور ذاتی دارای چنین توانایی هستند. وی تنها روش‌هایی را بیان کرد که والدین می‌توانند در موقع بروز مشکل خاصی از آن استفاده کنند و استراتژی‌هایی را ذکر کرد که والدین می‌توانند

^۱ - Startle

^۲ - Wilson

^۳ - Ginott

^۴ - Veiw